



Analyzing Explicit and Implicit Intertextuality in the Play “Al-Hussein, a Rebel and a Martyr” by Abd Al-Rahman Al-Sharqawi, Based on the Theory of Intertextuality of Gerard Genet

Original Article

Received: 2023/02/21

Accepted: 2024/12/15

Najmeh Dehghan^{1*}, Yusef Hadipour Nahzmi², Farhad Divsalar³

1. PhD student in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Islamic Azad University, Karaj, Iran

3. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Islamic Azad University, Karaj, Iran

How to cite this article: Dehghan, Najmeh, Hadipour Nahzmi, Yusef and Divsalar, Farhad, 2024, “Analyzing Explicit and Implicit Intertextuality in the Play “Al-Hussein, a Rebel and a Martyr” by Abd Al-Rahman Al-Sharqawi, Based on the Theory of Intertextuality of Gerard Genet”, Arabic Literature Criticism, 15, 1(28): pp. 142-158.

Abstract

Gérard Genet (1930-2018) posits that no text is original; instead, it is a manifestation of antecedent texts. He defines the incorporation of elements from prior texts into the current text as intertextuality, categorizing it into three types: explicit, non-explicit, and implicit. He does. Numerous authors have forged intertextual connections between their works and earlier texts on themes such as religion and history to enhance their writing. Abd al-Rahman al-Sharqawi (1921-1987 AD) was a Sunni and a member of Jamaat. His drama "Al-Hussain Tha'er and Martyr" pertains to the Ashura event, a significant aspect of Shia culture. Analyzing the intertextual relationship between the author and the nobility of previous texts is essential for accurate expression and to avoid issues in this work. The findings indicate that, to enhance his writing devoid of sectarian bias, Sharghavi referenced Ashura and incorporated original materials within his work to augment its scientific dependability and academic credibility. He excelled in the intertextual engagement with religious texts. However, he has not achieved significant success in historical intertextuality and appears to have depended on his intellect in recounting certain events.

Keywords: Abd al-Rahman Al-Sharqawi, Al-Hossein Thaera, Al-Hossein Shahidah, Intertextuality, Gerard Genet

*corresponding Author Email Address: najmeh.dehghan@kiau.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.230729.1220



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



مقاله پژوهشی

واکاوی بینامتنیت صریح و ضمنی در نمایشنامه *الحسین ثائراً* و شهیداً اثر عبدالرحمن الشرقاوی براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

نجمه دهقان^{۱*}، یوسف هادی پور نهزمی^۲، فرهاد دیوسالار^۳

چکیده

ژرار ژنت (۱۹۳۰-۲۰۱۸م) معتقد است هیچ متنی اصیل نیست، بلکه واگویه متون پیشین است. او حضور عنصر یا عناصری از متون پیشین در متن حاضر را تحت عنوان بینامتنیت می‌داند و آن را به سه دسته صریح، غیر صریح و ضمنی تقسیم می‌کند. نویسندگان بسیاری با داشتن زمینه‌های اعتقادی جهت تعالی بخشیدن به نوشتار خود میان مطالب خویش و کتب پیشین، با موضوعاتی همچون دینی و تاریخی، ارتباط بینامتنی برقرار کرده‌اند. عبدالرحمن الشرقاوی (۱۹۲۱/۱۹۸۷م) از اهل سنت و جماعت است و نمایشنامه *الحسین ثائراً* و شهیداً اثر اوست که در رابطه با واقعه عاشورا و جزء مهمی از فرهنگ شیعه است. بررسی رابطه بینامتنی و اشراق نویسنده بر متون گذشته جهت بیان صحیح و به دور از اشکال در این اثر، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ که این جستار با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی به این مهم پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد شرقاوی در راستای ارتقاء نوشتار خود بدون تعصب فرقه‌ای، به نقل عاشورا پرداخته و از متون معتبر در جای جای اثر خود بهره جسته است تا بر وثاقت علمی و اعتبار اثر به شیوه آکادمیک بیفزاید. او در رابطه بینامتنی با متون دینی موفق بوده ولی در بینامتنیت تاریخی چندان موفق عمل نکرده و به نظر می‌رسد در بیان برخی حوادث بر ذهن خود تکیه داشته است.

کلیدواژه‌ها: عبدالرحمن الشرقاوی، الحسین ثائراً و شهیداً، بینامتنیت صریح و ضمنی، ژرار ژنت

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

استناد به این مقاله: دهقان، نجمه، هادی پور نهزمی، یوسف و دیوسالار، فرهاد، بهار و تابستان ۱۴۰۳، «واکاوی بینامتنیت صریح و ضمنی در نمایشنامه الحسین ثائراً و شهیداً اثر عبدالرحمن الشرقاوی براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، ش ۱ (پیاپی ۲۸)، س ۱۵، صص ۱۴۲-۱۵۸.

*corresponding Author Email Address: najmeh.dehghan@kiauo.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.230729.1220



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

۱. مقدمه

ادبیات معاصر با ژانرهای گوناگون، مجموعه‌ای از مفاهیم جدیدی را در بردارد که برخی از آنها را از جهان غرب به عاریت گرفته است. متون ادبی که امروزه به نگارش درمی‌آیند، محصول تعامل بین متون گذشته و متون معاصر است به گونه‌ای که متون و افکار، در هم تداخل پیدا کرده و موجب ظهور متنی جدید می‌گردد که این پدیده «بینامتنیت» نامیده می‌شود. محققین به این پدیده با واژه‌ها و اصطلاحات مختلفی همچون «به هم آویختگی متنی» یا «اثرپذیری متقابل متون»، اشاره کرده‌اند. نظریه‌پردازان امروزی، متون‌های ادبی و غیر ادبی را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند و معتقدند متون، متشکل از همان چیزی است که اکنون آن را امر بینامتنی می‌نامند. تأویل یک متن با کشف کردن معانی آن، در واقع ردیابی همین روابط است (گراهام، آلن، ۱۳۸۰: ۱۱). اثر ادبی هرچه پرمعنا تر و فراخ‌تر باشد و با متون دیگر در هم‌تنیدگی و آمیزش بیشتری داشته باشد، تأثیر آن بر مخاطب بیشتر خواهد بود (بحیری، ۱۹۹۷: ۱۷). در میان نظریه‌پردازان، ژرار ژنت از تأثیرگذارترین پژوهش‌گران در عرصه بینامتنیت است. ژنت توانسته نظامی خاص را برای تحلیل دلالت‌های متن ترسیم کند و بدین‌گونه نظریه روابط بینامتنی متون را از حوزه نظری صرف خارج کرده و آن را کاربردی سازد. از نظر ژنت، بینامتنیت به معنی حضور دو یا چند متن در متن حاضراست (نامور مطلق، ۱۳۶۸: ۸۵)، که به سه دسته تقسیم می‌شود:

بینامتنیت صریح: در این نوع از بینامتنیت، متن سابق به طور واضح در متن حاضر موجود است؛ نقل قول، نمونه بارز آن است (Genette, 1997: 2).

بینامتنیت غیر صریح: متن سابق، به تمامی در متن حاضر پوشیده و پنهان است که سرقت ادبی از این نوع به حساب می‌آید (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۴۶).

بینامتنیت ضمنی (تلمیحی): برای پی بردن به این نوع، دقت لازم است زیرا همچون بینامتنیت صریح، اشاره آشکار به متن مرجع نشده و همچون بینامتنیت غیر صریح، متن سابق در متن

حاضر پنهان نیست و ذتها یک تخیل تیزبین می‌تواند این ارتباط را کشف کند. تلمیح را می‌توان از این نوع نامید (Genette, 1997: 8). در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی، به بینامتنیت دینی و تاریخی درنمایشنامه‌الحسین تأثراً و شهیداً پرداخته شده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد واژه‌ها و عبارات کوتاه از قرآن و نهج البلاغه به طور صریح و غیر صریح و گاهی ضمنی در جهت قدرت‌بخشی به متن، در جای‌جای اثر به چشم می‌خورد و نویسنده در این امر موفق عمل کرده است ولی در برخی مواقع، ارتباط این نمایشنامه با کتب تاریخی، دارای اشکال است و نشان از عدم اشراف کامل نویسنده به متون تاریخی دارد. جستار پیش رو، که مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی است، در پی جواب به این سوالات بنیادین و زیربنایی است.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

هر متنی پیوسته در ارتباط با متون دیگر است و از آن تأثیر می‌پذیرد. نمایشنامه‌الحسین تأثراً و شهیداً، اثر عبدالرحمن الشرفاوی تا چه حد در برقراری ارتباط بینامتنیت با متون دینی، همچون قرآن و نهج البلاغه و همچنین متون تاریخی، موفق عمل کرده است؟ و این سؤال بنیادین و اصلی، ما را به مجموعه‌ای از سؤالات فرعی رهنمون می‌نماید که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- بسامد بهره‌گیری شرفاوی از متون دیگر در این اثر عاشوراوی به چه میزان است؟
- این برش و پذیرش از متون دینی و تاریخی چه ضرورتی در نمایشنامه داشته است؟

۱-۲. فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اصلی تحقیق بر این مبنا استوار است که از افکار و اندیشه‌های شرفاوی چنین برمی‌آید که او بر منابع مهم دین اسلام، چون قرآن و نهج البلاغه، آگاهی کافی داشته و نویسنده توانایی

است. او واژگان و عباراتی را از قرآن و نهج البلاغه در کلام خود آورده است که نشان از هوشمندی وی جهت غنابخشی و مقبولیت متن دارد، اما شرقاوی در ارتباط با متون تاریخی نتوانسته به خوبی عمل کند و پژوهش‌گری تاریخی نیست چرا که در بیان برخی حوادث تنها از ذهن خود بهره جسته است.

- همچنین بر اساس فرضیه‌های فرعی پژوهش، شرقاوی در جای‌جای نوشتار خود، به‌طور صریح و غیرصریح و همچنین ضمنی، به مطالب آمده در قرآن و نهج البلاغه اشاره فراوانی دارد که نشان می‌دهد نویسنده در جهت استحکام‌بخشی به متن از واژه‌ها و عبارات کوتاه برگرفته از این دو کتاب ارزشمند بهره برده است. علاوه بر آن، شرقاوی در بیان واقعه عاشورا نیازمند رجوع به کتب تاریخی نیز بوده که در این زمینه در مقایسه با قرآن و نهج البلاغه توجه کمتری نموده است؛

- چنین به نظر می‌رسد رجوع به قرآن - به‌عنوان کتاب آسمانی تمامی مسلمانان و نهج البلاغه که از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است و بسیار مورد توجه همگان می‌باشد - در مقبولیت بخشیدن به اثر بسیار حائز اهمیت است و اگر در ارتباط بینامتنی با کتب تاریخی نیز همین دقت لحاظ می‌شد به غنای بیشتر اثر کمک بسیاری می‌کرد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

- محمد سید عید (۱۳۶۴) مقاله‌ای با نام «رؤیة نقدیة درامیة لمسرح عبد الرحمن الشرقاوي» در مجله ابداع، ش ۴، ص ۱۴-۳۰ نگاشته که در بخشی از آن با نگاه نقادانه به گفتگوی خیالی میان معاویه و شرقاوی حول مطالب دو نمایشنامه الحسین ثائر و الحسین شهیداً می‌پردازد که هر دو یکدیگر را به چالش می‌کشند.

- نبیل زکی (۱۹۶۹) نیز در مقاله «عبدالرحمن الشرقاوي و ملحمة الحسین»، شماره ۱۰۱، صص ۱۲۸-۱۴۲ به بررسی تاریخی بخش اول نمایشنامه با نام الحسین ثائر پرداخته است. او بیان می‌کند که شرقاوی در نمایشنامه، از قوه تخیل خویش نیز بهره برده

است. همچنین به شخصیت «وحشی» غلامی که حمزه، عموی پیامبر، را در جنگ احد به شهادت می‌رساند پرداخته که از کرده خویش پشیمان است و دائم خود را سرزنش می‌کند. شرقاوی با آوردن این فرد در نمایشنامه خویش می‌خواهد احساس ندامت مردم عراق در تنها گذاشتن امام عصر خویش به تصویر بکشد. او در این مقاله به عملکرد مسلم در عدم ترور ابن زیاد خرده گرفته است و در ادامه به مختار و شخصیت او می‌پردازد و در آخر، بیان می‌دارد که عصر و زمانه ما نیاز به نمونه‌های عظیم انسانی دارد که تا سر حد مرگ برای رسیدن به آن چه به آن معتقدند، جهاد کنند.

- انسیه خزعلی (۱۳۸۳) در کتابی با عنوان امام حسین در شعر معاصر عربی از جنبه زیباشناسی، شخصیت‌پردازی و زبان اثر، به بررسی عناصر نمایشنامه الحسین شهیداً می‌پردازد.

- فرامرز میرزایی و ماشالله واحدی (۱۳۸۸) در مجله نثرپژوهی ادب فارسی، ش ۲۲، صص ۲۹۹-۳۲۲ مقاله‌ای با عنوان «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» به چاپ رسانده‌اند که روش اجرای بینامتنی در پژوهش حاضر با الگوبرداری از آن انجام پذیرفته است.

- جمیل سوزنی (۱۳۸۹) در پایان نامه خود با نام «تحلیل العناصر المسرحیة فی مسرحیة "الحسین ثائر" و "الحسین شهید" از عبدالرحمن الشرقاوی»، دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. عناصر مورد بررسی در این پایان‌نامه، شامل شخصیت‌های نمایشنامه، گفت وگو، زبان شعری و آرایه‌های ادبی هستند.

- یوسف عبد المسيح ثروت (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «المأساة و الأصداء ثورة الحسین (ع) دراسة و عرض لأعمال عبدالرحمن الشرقاوي المسرحیة الحسینیة»، مجله الموسم، ش ۱۳، صص ۹۴-۱۰۵ به تجزیه و تحلیل واقعه عاشورا پرداخته و سخنان و برخورد شخصیت‌ها را در دو نمایشنامه الحسین ثائر و الحسین شهیداً بررسی می‌کند.

- محمد حسین حبیب (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «استثمار واقعة الطف في المسرحیة العربیة» با اشاره به دو نمایشنامه ذکر

۲. ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۲-۱. نظریه بینامتنیت ژنت

نویسنده‌ای که قصد دارد وقایع تاریخی و اجتماعی را در اثرش انعکاس دهد، به صورت گسترده یا مختصر، متون پیشین را در آن می‌گنجانند و در بیان مطالب خود می‌کوشد از آنچه در اجتماع به عنوان فرهنگ و میراث گذشته از آن یاد می‌شود و جامعه آن را باور دارد بهره جسته و پیام را در غالب عبارت‌هایی که می‌تواند از متون گذشته یا معاصر خود به عاریت بگیرد، با قدرت به مخاطب خویش القاء نماید. متون همواره در ارتباط با یکدیگرند و از هم تأثیر می‌پذیرند؛ هر کلامی برگرفته از کلام دیگر و با الهام‌گیری از دانسته‌های پیشین است که نظریه پردازان از آن به عنوان بینامتنیت یاد می‌کنند و معتقدند هر متن یک بینامتن است زیرا متون دیگر در شکل‌گیری آن و آن نیز در شکل‌گیری متن دیگر سهیم است (کالر، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

ژرارژنت با طرح واژه بینامتنیت، به روابط بین متون نگاهی نو دارد. بینامتنیت او هم برپایه حضور عناصر دو یا چندین متن استوار است؛ یعنی هرگاه از یک متن ادبی یا هنری، عنصر یا عناصری در متن دوم حضور یابد و معلوم گردد که متن دوم به طور مستقیم یا غیر مستقیم از متن نخست تأثیر پذیرفته، رابطه این دومتین، بینامتنی است (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۳۱). برای رابطه بینامتنیت سه گونه دسته‌بندی می‌توان در نظر گرفت: ۱- بینامتنیت صریح و آشکار ۲- بینامتنیت غیر صریح ۳- بینامتنیت ضمنی.

۲-۲. عبدالرحمن الشرقاوی

عبدالرحمان الشرقاوی (۱۹۲۱/۱۹۸۷م) شاعر، ادیب، روزنامه‌نگار و نویسنده برجسته ادبیات معاصر عرب است. تحصیلاتش را در زادگاهش ادامه داد و سال ۱۹۴۳م از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شد. نخست به وکالت پرداخت، اما اشتیاق به نویسندگی باعث شد با روزنامه‌ها و مجلات معتبر مصر همکاری کند. تحت تأثیر زندگی روستایی قرار داشت و روستاهای مصر منبع الهام او بود. رمان‌های

شده معتقد است شرقاوی نمی‌توانسته در این نگاه مختصر تاریخی، به وقایع عظیمی که قبل از این واقعه غم‌بار رخ داده بپردازد و تنها به مطالبی پرداخته که دارای اهمیت بوده و از مبادی دین اسلام و عقاید ثابت دین است و روز عاشورا را روزی متمایز و جاوید دانسته که مسلمان و غیر مسلمان آن را از خاطر نخواهند برد.

- فرامرز میرزایی، رضا تواضعی و سید رضاموسوی (۱۳۹۴)، مجله ادب عربی، ش ۱، صص ۳۰۱-۳۲۴ در مقاله «ژرف‌ساخت ناسازواری در شعر امل دنقل و بینامتنی قرآنی» به چاپ رسانده‌اند که نویسنده پژوهش حاضر با مطالعه آن از این مقاله نیز الگو گرفته است.

- حجت الله فستقوری و بهروز سالمی مغانلو (۱۳۹۷) در مجله ادب عربی مقاله‌ای با نام «جلوه‌های پایداری در نمایشنامه الحسین ثائراً و شهیداً اثر عبد الرحمن الشرقاوی»، ش ۱، صص ۱۸-۲۹ به چاپ رسانده‌اند و براساس شاخص‌های ادبیات پایداری به مضمون این دو اثر پرداخته‌اند. نتیجه آن که شرقاوی با الهام از قیام تاریخی عاشورا، اوضاع کنونی جهان عرب به ویژه مصر را با جامعه سال ۶۱ هجری مقایسه کرده و ملت خود را به مبارزه می‌خواند و تنها راه رهایی را مبارزه و پایداری در برابر ظلم معرفی می‌کند.

- کتاب سفر خروج (۱۳۹۸) از غلامرضا امامی که ترجمه نه چندان دقیق از نمایشنامه الحسین ثائراً و شهیداً است.

- رزیز عطشان الزهیری (۱۳۹۸)، «الاشارات الشخصية في مسرحيتي الحسین ثائراً و الحسین شهیداً»، مجله القادسیه، ش ۲، صص ۳۵۹-۳۷۵. او با توجه به نظریه پیرس به نشانه‌های گفتاری در نمایشنامه و بعد عملی آن‌ها پرداخته است.

از پیشینه تحقیق چنین برمی‌آید که تاکنون موضوعی مستقل پیرامون بینامتنیت- با توجه به اهمیت آن که از موضوعات مهم و نوین نقد ادبی در حال حاضر است- در رابطه با این اثر صورت نگرفته است.

«زمین» (۱۹۵۴) «قلب‌های خالی» (۱۹۵۶)، «خیابان‌های پستی» (۱۹۵۸) و «دهقان» (۱۹۶۷) از آثار برجسته اوست. نمایشنامه‌های الحسین ثائر، الحسین شهیداً و علی پیشوای پرهیزکاران، از مشهورترین آثارش در ایران است. همچنین نگارش فیلم‌نامه‌ی الرساله که در ایران به فیلم محمد رسول‌الله، شهرت دارد، مشارکت داشت. در سال ۱۹۷۴ جایزه‌ی لیاقت دولت در ادبیات را دریافت کرد. او در سال ۱۹۸۷ درگذشت (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد).

۳-۲. الحسین ثائر و شهیداً

این نمایشنامه دارای دو بخش است: بخش اول «الحسین ثائر»، دارای سیزده صحنه است که با رسیدن خبر مرگ معاویه به مدینه آغاز می‌شود و حوادث سال ۶۱ هجری یک به یک نمایش داده می‌شود و با آمدن حسین بن علی به کربلا پایان می‌پذیرد. قسمت دوم نمایش، با شش صحنه با عنوان «الحسین شهیداً» نگاشته شده و وقایع را تا روز عاشورا و سپس به اسارت رفتن خاندان رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) بیان می‌کند. در این پژوهش، بینامتنی دینی و تاریخی در دو نمایشنامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. بحث

۳-۱. بینامتنیت دینی در نمایشنامه/الحسین ثائر و الحسین شهیداً

قرآن کریم، اصلی‌ترین کتاب دینی مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون تأثیر زیادی بر نویسندگان مسلمان داشته است. نهج البلاغه نیز دارای قدرت و معانی عظیمی است که مورد توجه مسلمانان و غیر مسلمانان قرار گرفته و بسیاری از این کتاب ارزشمند بهره جسته‌اند و بیانات این دو کتاب در کنار متون تاریخی سبب غنای آثار نویسندگان شده است. رابطه‌ی دین و متون ادبی با شعر و ادبیات، رابطه‌ای متقابل است؛ دین توانسته با موضوعات فخیم خود به شعر و متون یاری رساند، همان‌گونه که متون ادبی با جایگاه قوی، در مواقع مختلف

دین را یاری نموده است؛ به‌طوری‌که در حوزه‌های مختلف ادبی می‌توان باورهای دینی را به وضوح مشاهده کرد (شراد، ۱۹۸۷: ۲۳). قرآن کریم و متون دینی، از موضوعات مهمی است که نصب العین پژوهشگران و محققان قرار گرفته و تأثیر ژرف آموزه‌های آن در آثار ایشان به وضوح آشکار است. تأثیرپذیری متون، تنها به دوران نزول قرآن و ادبیات قدیم عرب محدود نیست بلکه نویسندگان و شاعران معاصر، حتی پیروان سایر ادیان نیز، تحت تأثیر مفاهیم بلند و ارزش‌های قرآن و نهج البلاغه، که اخوالقرآن نامیده می‌شود، قرار گرفته‌اند (حاجی زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

نهج البلاغه، تأثیر ژرف بر فرهنگ و ادبیات عربی و فارسی گذاشته است. شعرا و نویسندگان برای ارزش دادن به اثر خود، به شیوه‌های گوناگون، سخنان امام علی (ع) را در آثارشان به کار می‌برند که برای مثال می‌توان به مواردی که شرقاوی در نمایشنامه خود از آیات قرآن و نهج البلاغه آورده اشاره کرد (نمازیان و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۷). شرقاوی به طور آشکار و ضمنی از واژه‌ها، عبارت‌ها و جملات قرآن و نهج البلاغه همچون نشانه‌هایی در اثر خود بهره جسته است تا بتواند آن‌چه در سر دارد به خوبی انتقال دهد که در این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱-۱. بینامتنیت با قرآن

۳-۱-۱-۱. بینامتنیت صریح با قرآن

۳-۱-۱-۱-۱. واژگان

متن حاضر

در رابطه با خصوصیات معاویه در الحسین ثائر آمده:

(1) عَطَلُ أَصْلًا فِي الْإِسْلَامِ

و زَيْفُ قَاعِدَةِ الشُّورَى. (شرقاوی، A، لا تا: 9)

متن غائب

(2) (وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ) (شوری 38)

عملیات بینامتنی

کلمه شوری به مردم سالاری دینی اشاره دارد. نظام شوری برای اداره امور جامعه، مورد تأکید قرار گرفته و در مسائل اجتماعی اسلام، توصیه به مشورت و شوری شده است. در نمایشنامه کلمه شوری به طور صریح به همان معنی و مضمون متن غائب به کار رفته است.

۲-۱-۱-۳. عبارت‌ها و جمله‌های کوتاه

یکی از مهم‌ترین شگردهای «بینامتنیت صریح»، حضور عبارات و جمله‌های کوتاه، از یک زیرمتن در زیرمتن است که این موارد در نمایشنامه مشهود است:

عبارت «أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»

متن حاضر

(8) - حَمَلَكَ قَدْ أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (شرقاوی A، لاتا: 35).

متن غائب

(9) (الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ) (انشریح/3)

عملیات بینامتنی

متن غائب ادامه متن حاضر و بینامتنیت از نوع آشکار و صریح است.

عبارت «يَفْعَلُ مَا»

متن حاضر

(10) - اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (شرقاوی A، لاتا: 62).

متن غائب

(11) - (اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) (حج/18)

عملیات بینامتنی

کلام حاضر و غائب شبیه به هم آمده است و تنها در فعل تفاوت دارند و شرقاوی کلمه یِشاء را به یرید تغییر داده است. بینامتنیت در اینجا از نوع صریح و آشکار است.

عبارت «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»

متن حاضر

(12) - لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ تَعَالَى النَّفْسَ إِلَّا وُسْعَهَا (شرقاوی A، لاتا: ۱۵۵).

واژه «مِنْ رِجَالٍ»

متن حاضر

(3) مِنْ رِجَالٍ فَرَّغُوا مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا وَالْوَالُوا وَجْهَهُمْ لِلْآخِرَةِ (شرقاوی A، لاتا: 13).

متن غائب

(4) (مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا) (احزاب/23)

عملیات بینامتنی

کلمه «رجال» همراه «مِنْ» جاره در دو متن به معنای مساوی آمده است و کلام حاضر، به مفهوم کلام غائب اشاره دارد. در این کلام هم بینامتنیت صریح وجود دارد زیرا «مِنْ رِجَالٍ» در جمله حاضر به طور صریح آمده است و معنای متن غائب به طور ضمنی در متن حاضر وجود دارد.

واژه «وَبِلِّ لِّ»

متن حاضر

(5) وَبِلِّ لَكُمْ وَلِأَيَّكُمْ (شرقاوی A، لاتا: 109).

متن غائب

(6) (وَبِلِّ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لُّمَزَةٍ) (همزه/1).

(7) (وَبِلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ) (مطففین/1).

عملیات بینامتنی

«وَبِلِّ» به معنای نفرین و تهدید به عذاب و عقاب است؛ لفظ وبل از متن غائب به متن حاضر و به همان معنا منتقل شده است و دنباله کلام، بازآفرینی شده است.

متن غائب

(۱۳) (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ) (بقره / 286)

عملیات بینامتنی

نویسنده همان عبارت را از متن غائب دریافت کرده و در متن حاضر آورده و تنها واژه تعالی را به آن افزوده است. در این متن به طور آشکار به متن غائب اشاره شده است و بخشی از آیه در نوشتار شرقاوی گنجانده شده و با قبل و بعد، سازگاری ایجاد نموده است.

عبارت «اللّٰهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ»

متن حاضر

(۱۴) اللّٰهُ يَغْفِرُ مَا يَشَاءُ مِنَ الذُّنُوبِ. (شرقاوی A، لاتا: 109)

متن غائب

(۱۵) (إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ) (زمر / 53)

(۱۶) (الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (آل عمران / ۱۳۵)

(۱۷) (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ. وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا) (نساء / 48)

عملیات بینامتنی

عبارت «اللّٰهُ يغفر الذنوب» با کمی تغییر، وارد متن جدید شده است و به طور آشکار قابل رؤیت است و ذهن هر فردی را که با قرآن آشنایی دارد متوجه این ارتباط می نماید.

عبارت «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ»

متن حاضر

(۱۸) زید: إِنْ يَشَاءُ رَبُّكَ يُذْهِبُكُمْ فَيَأْتِي بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (شرقاوی A، بی تا: 137).

متن غائب

(۱۹) (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ) (ابراهیم / 19)

عملیات بینامتنی

شرقاوی عبارت قرآنی را با تغییر اندکی آورده است. و این بینامتنیت از نوع آشکار است.

عبارت «لُبْسُ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ»

متن حاضر

(۲۰) هکذا يَلْتَبِسُ الْبَاطِلُ بِالْحَقِّ وَ يَبْدُو الْجَبْنُ فِي ثَوْبِ الْحَكِيمِ الْمُتَمَلِّ (شرقاوی A، لاتا: 169).

متن غائب

(۲۱) (وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (بقره / 42)

عملیات بینامتنی

متن حاضر خبری و متن غائب انشایی است و ظاهر هر دو، درهم آمیختن حق با باطل است. جمله حاضر درهم آمیخته شدن حق و باطل را سبب ظهور ترس می داند، ترسی که لباس حکیمانه به تن دارد و جمله غائب از درهم آمیخته شدن حق و باطل و کتمان حق بر حذر می دارد. ریشه فعل در هر دو «لبس» است و کلمه حق و باطل در هر دو وجود دارد و به وضوح، ارتباط متن حاضر با متن غائب را نشان می دهد.

۳-۱-۲. بینامتنیت غیر صریح و ضمنی در قرآن

مضمون «نیکی به مظلوم و ستم دیده و برخورد با ظالم» متن حاضر

(۲۲) عمیقُ الرحمةِ بالمظلومِ شديداً الصولةِ بالظالمِ (شرقاوی A، لاتا: 18).

متن غائب

(۲۳) (مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (فتح / ۲۹)

عملیات بینامتنی

نمایشنامه بیان می دارد که امام حسین علیه السلام، با مظلوم

مضمون «تنها خدا شایسته‌ی ترسیدن و فرمانبرداری است»

متن حاضر

(۲۸) حسین (ع): أَنْ تَخَافَ اللَّهَ أَوَّلَىٰ بَكَ مِنْ خَوْفِ الْوَلَاةِ (شرقاوی A، لاتا: ۱۶۶).

متن غائب

(۲۹) (أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْتُمْ خَشَوْهُمْ فَلَا أَمَّ لَهُمْ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (توبه/۱۳)

عملیات بینامتنی

در نمایشنامه شرقاوی آمده که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی و در قرآن به جای خوف، کلمه خشیه آمده است؛ به این معنا که خداوند به خشوع سزاوارتر است. در حقیقت مضمون و معنا یکی است اما با جملات متفاوت.

۳-۱-۲. بینامتنیت نهج البلاغه

نهج البلاغه برگزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی (ع) است که سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری آنها را جمع‌آوری کرد. این کتاب به دلیل محتوا و بلاغتش، به «أخ القرآن» (برادر قرآن) نام‌گذاری شده است. برخی از ادیبان عرب، فصاحت و بلاغت نهج البلاغه را ستوده‌اند. این کتاب شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار دسته‌بندی شده است. امام در بسیاری از خطبه‌ها، مردم را به انجام دستورات الهی و ترک محرمات دعوت کرده و در بخشی از نامه‌ها که خطاب به فرمانداران است، آنها را به رعایت حق مردم سفارش کرده است. برخی در نسبت دادن نهج البلاغه به حضرت علی (ع) تشکیک کرده‌اند، اما در مقابل بسیاری از علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت همچون ابن ابی‌الحدید معتزلی نسبت دادن این کتاب به حضرت علی (ع) را صحیح می‌دانند و معتقدند که سید رضی فقط این سخنان را جمع‌آوری کرده است. برخی از علمای شیعه برای اثبات

نهایت رحمت و مهربانی را داشته‌اند و برابر ظالم، با قدرت برخورد می‌کردند؛ این مضمون، قابل تطبیق با آیه ۲۹ فتح است که در رابطه با خصوصیت پیامبر آمده که ایشان «أَشْدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بوده‌اند. کلام غائب مستقیماً در کلام حاضر نیامده بلکه مضمون و ماده سخن از آن الهام گرفته شده است. جمله «عمیق الرحمة بالمظلوم شدید الصولة بالظالم»، در حقیقت الگوگیری از متن غائب است.

مضمون «ترس از حسادت و شر حسود»

متن حاضر

(۲۴) تَخَافُ عَلَيْكَ إِذَى الْحِسَادِ وَ هُمْ كَثُرَ (شرقاوی A، لاتا: ۲۳).

متن غائب

(۲۵) (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) (فلق/۵ تا ۱)

عملیات بینامتنی

در هر دو متن خطر حسود را گوشزد می‌کند و مضمون هر دو جمله یکی است.

مضمون «هر فردی بار گناه خویش را به دوش می‌کشد»

متن حاضر

(۲۶) الحسين: مَنْ يَحْمِلْ عَنِي يَوْمَ الْحَشْرِ (شرقاوی A، لاتا: ۳۵).

متن غائب

(۲۷) (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) (فاطر/۱۸)

عملیات بینامتنی

این عبارت قرآنی در آیه ۱۶۴ سوره انعام، آیه ۱۸ سوره فاطر، آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۷ سوره زمر و آیه ۳۸ سوره نجم ذکر شده که جمعاً پنج مرتبه در قرآن تکرار شده است. جمله حاضر برگرفته شده از از جمله غائب و درمعنای آن است و بیان می‌کند روز قیامت هیچ فردی بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید.

۳-۱-۲-۲. بینامتنیت غیرصریح و ضمنی با نهج البلاغه مضمون «حرص و طمع که ترس و خوف را به دنبال دارد»

متن حاضر

(۳۴) مالی و للحرص اللعين.

الحرص ينقص قيمة الانسان. (شرقاوی A، لاتا: 30)

متن غائب

(۳۵) أَرَزَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ (نهج البلاغه: حکمت 2)

عملیات بینامتنی

مذمت حرص و طمع، از نهج البلاغه به متن حاضر منتقل گردیده است.

مضمون «درآمیخته شدن حق با باطل و عدم تشخیص آنها از یکدیگر»

متن حاضر

(۳۶) هَكَذَا يَلْتَبِسُ الْبَاطِلُ بِالْحَقِّ. (شرقاوی A، لاتا: ۱۶۹)

متن غائب

(۳۷) فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مَزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُزْتَادِينَ،
وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ،
وَلَكِنْ يُوْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيُمَرِّجَانِ، فَهَذَا لِكَ
يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ
الْحُسْنَى. (خطبه 50 نهج البلاغه)

عملیات بینامتنی

در متن حاضر آمیخته شدن حق به باطل را بیان می کند که این امر
سبب پوشیده شدن حق بر جویندگان حق است. این امر از سخن
امیر (ع) به متن حاضر آمده است.

مضمون «دوری از حاکم متکبر»

متن حاضر

(۳۸) زَالَ الطَّاغِيَةُ الْمَتَكَبِّرُ.

صحت سخنان و کلمات نهج البلاغه کتاب های متعددی در مورد
اسناد و مدارک نهج البلاغه نوشته اند. نهج البلاغه به ۱۸ زبان
ترجمه شده است. شرح ها و مستدرکات متعددی نیز در مورد
نهج البلاغه نوشته شده که تعداد آن ها تا حدود ۳۰۰ عنوان بیان
کرده اند. (نهج البلاغه، ویکی شیعه)

۳-۱-۲-۱. بینامتنیت صریح (آشکار)

عبارت «یا دنیا غری غیری»

متن حاضر

(۳۰) یا دنیا غری غیری (شرقاوی A، لاتا: 22)

متن غائب

(۳۱) يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا، إِلَيْكَ عَنِّي؛ أَمْ بِي تَعْرِضُ؟ أَمْ إِلَيَّ [تَشْوَفُ] تَشْوَفُ؟ لَا حَانَ حِينَكَ؛ هَيْهَاتَ، غُرِّي غَيْرِي؛ (نهج البلاغه،
حکمت 77)

عملیات بینامتنی

اول و آخر کلام امیر از نهج البلاغه در متن حاضر موجود است.
آشنایی با متن نهج البلاغه می تواند این ارتباط را به خوبی کشف
کند.

عبارت «قیمه الانسان ما يحسنه»

متن حاضر

(۳۲) الحسين: قيمة الانسان فيما يحسنه. (شرقاوی A، لاتا: 42)

متن غائب

(۳۳) امیر المؤمنین علی (ع): قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ. (حکمت
81)

عملیات بینامتنی

جمله امام علی (ع) با اندکی تغییر در متن حاضر به چشم می خورد.

سقط الدجال الاکبر. (شرقاوی A، لاتا: 9)

متن غائب

(۳۹) امام (علیه السلام) می فرماید: «أَلَا قَالَ حَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كُبَرَاءِكُمْ الَّذِينَ تَكْتَبُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرْفَعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

عملیات بینامتنی

ابتدای نمایشنامه‌ی الحسین ثائرا با خبر مرگ معاویه با این مضامین آغاز می‌گردد: «زال الطاغية المتکبر»، «سقط الدجال الاکبر» کلمه متکبر در وصف معاویه آمده است و آوردن کلمه متکبر به روشنی به کلام امام علی (ع) برمی‌گردد که در خطبه قاصعه مردم را از حاکم متکبر بر حذر می‌دارد. (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ بند ۱۹)

مضمون «اخذ اموال از غارت کنندگان بیت المال و برگرداندن آن به خزانه حکومت»

متن حاضر

(۴۰) حسین (ع): مِثْلَمَا سَارَ ابْنَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَأَسِيرُ. لَيْسَ هَذَا كُلُّهُ حَقًّا لَهُمْ، إِنَّهُ حَقُّ الرِّجَالِ الْفُقَرَاءِ الْعَالَمِينَ زَيْنَب (س): أَتَرَى تَنْزَعُ مِنْهُمْ أَرْضَهُمْ (شرقاوی A، لاتا: 61). (۴۱) وَ رَبُّ الْبَيْتِ حَتَّى يُنْفِقُوا أَمْوَالَهُمْ فِي الصَّدَقَاتِ. (شرقاوی A، لاتا: 62)

متن غائب

(۴۲) «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهَ النِّسَاءِ وَ مُلِكَ بِهَ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ» (نهج البلاغه، خطبه 15)

روابط بینامتنی

نمایشنامه از قصد حسین ابن علی در بازگرداندن بیت المال و بازگرداندن آن به فقرا سخن می‌گوید؛ همان گونه که پدر بزرگوارشان در نهج البلاغه به این امر اشاره نموده‌اند. آنجا که در رابطه با آنچه خلیفه قبل به ناحق بخشیده سخنی با این مضمون بیان می‌دارند و

می‌فرمایند که این اموال را باز خواهد گرداند؛ شرقاوی برای بیان این مطلب از سخن امیر (ع) در نهج البلاغه بهره جسته است.

مضمون «پیمودن راه حق حتی اگر روندگان آن اندک باشند»

متن حاضر

(۴۳) لَا تَرْهَبُوا طُرُقَ الْهِدَايَةِ إِنْ خَلَّتْ مَنْ عَابَرِهَا (شرقاوی A، لاتا: ۱۷۲).

متن غائب

(۴۴) أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ (نهج البلاغه، خطبه 201)

عملیات بینامتنی

معنا و مفهوم متن حاضر دقیقاً همان معنا و مفهوم متن غائب است. که جماعت و کثرت را نشانه بر حق بودن نمی‌داند.

۳-۲. بینامتنیت تاریخی در نمایشنامه‌ی «الحسین

ثائرا»

شرقاوی علاوه بر متون دینی از متون تاریخی نیز بهره برده است. وی وقایع تاریخی سال ۶۱ هجری را از زمان مرگ معاویه به تصویر می‌کشد و در متن گاهی گذر به وقایعی دارد که به عصر پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) بازمی‌گردد که مواردی از آن جهت بررسی درستی با متون تاریخی بررسی گردیده است:

۳-۲-۱. نامه مردم کوفه به امام حسین (شرقاوی A،

لاتا: ۵۰)

در نمایشنامه از رسیدن نامه کوفیان به دست حسین بن علی در مدینه سخن می‌گوید، این در حالی است که در کتب تاریخی نامه کوفیان زمانی به امام می‌رسد که ایشان در مکه حضور داشته‌اند. فرستادن نامه کوفیان به امام در مدینه در هیچ یک از کتب تاریخی نیامده است و همگی بر این اتفاق نظر دارند که دعوت کوفیان از

امام زمانی بوده که ایشان در مکه اقامت گزیده بودند.

۳-۲-۲. توابین (همان: ۱۲۱)

شرقاوی توابین را یاران مختار معرفی می کند که از شهادت امام علی (ع) و عدم همراهی وی پشیمانند در حالی که توابین از عدم همراهی با حسین بن علی پشیمان بودند و سابقه آنها به بعد از قیام عاشورا باز می گردد نه قبل از آن (قیام توابین - ویکی شیعه).

۳-۲-۳. ملحق شدن زهیر بن قین به امام حسین

(ع). (شرقاوی B، لاتا: ۲۲)

نمایشنامه بیان می دارد پس از بسته شدن آب بر امام (ع) و بارانش، حبیب ابن مظاهر با تنی چند در دل شب از کوفه برای یاری امام (ع) به کربلا می آیند. آوردن زهیر همراه این افراد صحیح نیست و مقاتل پیوستن ظهیر به امام (ع) را در راه بازگشت از مکه در یکی از منازل بیان می دارند (مجلسی، ۱۳۹۹: ۳۳۰؛ ابی مخنف، بی تا: ۹۹؛ عبد الرزاق، بی تا: ۸۸؛ مقرم، ۱۳۸۱: ۸۸؛ مجلسی ج ۴: ۴۴). (۳۷۱)

۳-۲-۴. سعد وقاص (شرقاوی B، لاتا: ۵۰)

در رابطه با شخصیت سعد وقاص در چند نوبت از او با عنوان کسی یاد شده که همراه امام حسین (ع) بوده و او را در جنگ های صدر اسلام یاری نموده است و از او به عنوان قهرمان یاد می شود: (۴۵)الحسین: یا ابن سعد نحن حاربنا معاً.

و قهرنا الظلم فی کل مکان

و رفعنا رایة الانسان

و مضینا فی رکاب واحد.

نرفع الالام عن روح البشر. (شرقاوی B، لاتا: ۵۰)

از زبان حسین (ع) خطاب به عمر سعد آمده:

(۴۶)الحسین: اذكر مواقف سعد يا عمر

اذكر أباک و لا تکن عاراً علی ذکری البطل (همان: ۳۵)

کتب تاریخی، سعد را از دشمنان سرسخت امام علی (ع) معرفی می کند به طوریکه دشمنی او در قالب ها و پوشش های مقبول اجتماعی پنهان است. همچنین بیعت سعد با ابوبکر، عمر، عثمان و معاویه و عدم بیعت با علی (ع) چیزی جز کینه و دشمنی سعد نیست. وی در بیعت با امام (ع) تأخیر و تردید کرد و در ادامه نیز بر بیعت خود نماند و با عدم حضور در جنگ ها و یاری نکردن امام، بیعت شکنی کرد. هیچ تفاوتی نمی توان میان طلحه و زبیر و سعد قاتل شد، طلحه و زبیر با شمشیر و سعد با سکوت و اعتزال، بیعت شکست (طیبی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

۳-۲-۵. بیان سرنوشت حضرت عیسی و به صلیب

کشیده شدن وی

(۴۷)حسین(ع): اَنْنِیْ اَعْرِفُ اَنَّ الْخَيْرَ مَصْلُوْبٌ عَلٰی بَابِ الْمَدِیْنَةِ وَ حَوَارِیُّوْهُ مِنْ دَعْرِهْمَ لَا یَنْدُبُوْنَهٗ
اِنَّهُمْ تَحْتَ ظَلَالِ الشُّوْكِ یَبْکُوْنَ و لکن
یَنْکُرُوْنَهٗ.....(شرقاوی، لاتا: ۳۷).

عیسی مسیح به صلیب کشیده نشد، بلکه امر بر مردم مشتبه گردید و مسیح به آسمان عروج کرد، دلیل این مطلب آیه قرآن است.

(۴۸)وَقَوْلِهِمْ اِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيْحَ عِيسٰی ابْنَ مَرْيَمَ رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَا قَتَلُوْهُ وَمَا صَلَّوْهُ وَلٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ؕ وَاِنَّ الَّذِیْنَ اٰخْتَلَفُوْا فِیْهِ لَفِیْ شَاكٍ مِّنْهُ ؕ مَا لَهُمْ بِمِنْ عِلْمٍ اِلَّا اِتِّبَاعُ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوْهُ یَقِیْنًا. (نساء: ۱۵۷)

نتیجه

۱- ادبیات بر اساس بینامتنیت استوار گردیده و هر متن از متون پیشین تاثیر پذیرفته و حافظ سنت و میراث گذشتگان است. اثر ادبی هرچه پیرامنه تر با شد و با متون دیگر درهم تنیدگی بیشتری داشته باشد، تأثیر آن بر مخاطب بیشتر است. آثار نویسندگان تا حد زیادی به متون پیشین وابسته اند و رد پای آثار گذشتگان به خوبی در نوشتار آنها مشهود است.

۲- مشهور بودن پیش‌متن در روابط بینامتنی سبب ارزش و اعتبار متن حاضر می‌گردد، بینامتنیت ژنتی عبارتست از:

- **بینامتنیت صریح و آشکار:** در این نوع بینامتنیت، عنصر بینامتنی به راحتی قابل تشخیص است که نقل قول، نمونه بارز آن است.

- **بینامتنیت غیر صریح:** عنصر مشترک و هم‌حضور، به روشنی و صراحت بیان نشده است؛ که می‌توان به سرقت ادبی اشاره کرد.

- **بینامتنیت ضمنی:** تلمیح را می‌توان پنهان‌ترین و ضمنی‌ترین نوع بینامتنیت دانست.

۳- در رابطه با نمایشنامه‌الحسین‌ثائراً و شهیداً می‌توان اظهار کرد که شرقاوی هوشمندانه با دو کتاب ارزشمند قرآن و نهج‌البلاغه، جهت غنای اثر خویش رابطه بینامتنی برقرار نموده است تا نیروی این متون را به نوشتار خود وارد کند. او همچنین با کتب تاریخی نیز این ارتباط برقرار کرده است. می‌توان گفت او در رابطه با قرآن و نهج‌البلاغه موفق عمل کرده و به‌عکس در رابطه بینامتنی با متون تاریخی به نظر می‌رسد او پژوهشگر تاریخی نیست و در برخی موارد دچار اشتباه شده است.

۴- در دو نمایشنامه‌الحسین‌ثائراً و شهیداً این نتیجه حاصل گردید که بینامتنیت صریح، بیشترین کاربرد و سپس بینامتنیت غیر صریح و ضمنی در مرتبه دوم قرار دارد.

پی‌نوشت

- (۱) (معاویه) اصل مهمی را در اسلام نابود کرد. اساس شورا را جعل کرد (ترجمه امامی، ۱۳۹۸: ۱۹).
- (۲) آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کردیم اتفاق می‌کنند (ترجمه انصاریان، ۱۳۸۹).
- (۳) از مردان، بعضی از دنیا بریده و رو به سوی آخرت دارند (ترجمه نویسنده).

(۴) مردانی از مؤمنان به آنچه با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده‌ی جهاد نمودند)، برخی پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز (عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۵) وای بر شما و پدران‌تان (نویسنده).
(۶) وای بر هر طعنه‌زننده عیب‌جو (انصاریان، ۱۳۸۹).
(۷) وای بر کم‌فروشان (همان).
(۸) این بار بر تو گرانبار است. اشاره به مشکلات و سختی‌هایی دارد است که نیاز به سعه صدر دارد.
(۹) آن (بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود. باری که آزار کفار تو را گرانبار ساخته بود ما زایل نمودیم و بر طرف ساختیم (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۱۰) و (۱۱) خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد (نویسنده).
(۱۲) خداوند جز به اندازه توانایی، تکلیف نمی‌کند (انصاریان، ۱۳۸۹).
(۱۳) خداوند جز به اندازه توانایی تکلیف نمی‌کند و هرکه عمل شایسته انجام دهد به سود او ست و هر کس مرتکب زشتی شود زیان کرده است (انصاریان، ۱۳۸۹).
(۱۴) خداوند آنچه از گناهان را بخواهد می‌آمرزد (نویسنده).
(۱۵) خداوند آمرزنده است (نویسنده).

(۱۶) و آن‌ها وقتی مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ بر گناه اصرار نمی‌ورزند، با اینکه می‌دانند (انصاریان، ۱۳۸۹).
(۱۷) خدا گناه شرک را نخواهد بخشید و سوای شرک را برای هر که خواهد می‌بخشد، و هر کس شرک آورد به دروغی که بافته گناهی بزرگ مرتکب شده است (انصاریان، ۱۳۸۹).
(۱۸) اگر (پروردگار) بخواهد شما (افراد بشر) را در زمین نابود می‌سازد و خلقی دیگر می‌آفریند (ترجمه نویسنده).

(۳۳) امام علی(ع): قیمت و ارزش هر کس به اندازه کاری است که می‌تواند آن را به خوبی انجام دهد (بهرامپور، ۱۳۹۶: ۶۹۳).

(۳۴) من را با حرص چه کار، حرص و طمع ارزش انسان را می‌کاهد (نویسنده).

(۳۵) هرکه طمع را پیشه کند شخصیت خود را باخته است (بهرامپور، ۱۳۹۶: ۶۷۳).

(۳۶) اینچنین باطل در حق درمی‌آمیزد (نویسنده).

(۳۷) اگر باطل با حق نمی‌آمیخت بر جویندگان حق پنهان نمی‌ماند و اگر حق به باطل پوشیده نمی‌گشت، زبان معاندان از طعن بریده می‌شد، ولی همواره پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل درهم می‌آمیزند. در چنین حالی، شیطان بر دوستان خود مستولی می‌شود. تنها کسانی رهایی می‌یابند که الطاف الهی شامل حالشان شده باشد (بهرامپور، ۱۳۹۶: ۹۶).

(۳۸) طاغوت متکبر از بین رفت، دجال بزرگ سقوط کرد (امامی، ۱۹: ۱۳۹۸).

(۳۹) به هوش باشید! و بر حذر باشید از اطاعت (کورکورانه) بزرگترها و رؤسایان! همان‌ها که به سبب موقعیت خود، تکبر می‌ورزند و خویش را بالاتر از نسب خود می‌شمرند (بهرامپور، ۱۳۹۶: ۴۱۱).

(۴۰) حسین(ع): همچون پدرمان عمل خواهیم کرد. بیت المال حق آنها نیست و مال تمام فقراء است.

زینب (سلام الله): آیا می‌خواهی زمین‌هایشان را پس بگیری؟ (ترجمه نویسنده).

(۴۱) به خدای کعبه حتی اگر آن اموال را صدقه داده باشند (ترجمه نویسنده).

(۴۲) به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر جا بیابم آنرا برمی‌گردانم؛ هر چند مهر زنان و بهای کنیزان باشد. در عدالت گشایش است و کسی که عدالت بر او گران است ستم برایش گران‌تر خواهد بود. (ترجمه بهرامپور، ۱۳۹۶: ۵۵)

(۱۹) (ای بشر) آیا ندانستی خدا آسمان‌ها و زمین را به حق و برای مقصود بزرگی آفریده و اگر بخواهد همه را در زمین نابود می‌سازد و خلقی دیگر می‌آفریند؟ (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۰) این‌گونه باطل، حق را می‌پوشاند و ترسو در لباس حکیم، متفکر به نظرمی‌آید (نویسنده).

(۲۱) حق را به باطل نپوشانید و حقیقت را با این‌که می‌دانید، کتمان نکنید (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۲) نیکی با مظلوم و برخورد با ظالم (نویسنده).

(۲۳) محمد (ص) فرستاده خداست و یارانش بر کافران بسیار قوی‌دل و سخت و با یکدیگر بسیار مهربانند (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۴) از حسادت حسودان بسیار بر تو هراسانم (نویسنده).

(۲۵) بگو پناه به پروردگار سپیده‌دم از زیان حسود، زمانی که حسد می‌ورزد (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۶) چه کسی روز قیامت بار من را به دوش می‌کشد؟ (نویسنده).

(۲۷) هیچ گناهکاری گناه دیگری را حمل نمی‌کند (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۸) حسین(ع): ترس از خدا سزاوارتر است تا ترس از حاکمان (امامی، ۱۳۹۹: ۶۶).

(۲۹) چرا با قومی که سوگندهایشان را شکستند و به راندن رسول همت کردند کارزار نمی‌کنید؟ در حالی که آنان جنگ را با شما آغاز کردند، آیا از آنان می‌هراسید؟ پس اگر مؤمن هستید شایسته‌تر است از خدا بترسید (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۳۰) ای دنیا از من دور شو (امامی، ۱۳۹۹: ۷۹).

(۳۱) ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو. آیا برای من خودنمایی می‌کنی؟ یا شیفته من شده‌ای؟ هرگز نمی‌توانی در دل من جای گیری، هرگز مباد! غیر من را فریب که من را در تو نیازی نیست (بهرامپور، ۱۳۹۶: ۶۹۱).

(۳۲) ارزش انسان به چیزی است که آن را نیکو انجام دهد (نویسنده).

(۴۳) از طریق هدایت نترسید اگر روندگان آن اندک باشند (نویسنده).

(۴۴) از طریق هدایت نترسید اگر روندگان آن اندک باشند.

(۴۵) حسین: پسر سعد ما با هم (دربار) دشمن جنگیدیم و ستم را در همه جا مغلوب کردیم.

و پرچم انسانیت را برافراشتیم.

در یک رکاب سپری کردیم.

و درد و اندوه را از روح بشریت زدودیم (نویسنده).

(۴۶) حسین (ع): ای عمر! جایگاه پدرت را به یاد بیاور.

پدرت را به یاد بیاور و مایه ننگ آن پهلوان نباش (نویسنده).

(۴۷) می دانم مسیح را بر دروازه شهر به صلیب کشیدند و

حواریونش از ترس، هیچ ناله و زاری نکردند و زیر سایه خار گریه می کردند ولی او را انکار می کردند (امامی، ۱۳۹۹: ۲۲۴).

(۴۸) -هم از این رو که گفتند: ما مسیح عیسی بن مریم رسول

خدا را کشتیم، در صورتی که او را نه کشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آنها مشتبه شد و همانا آنان که درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند، از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم به او نبودند؛ جز آن که از پی گمان خود می رفتند و به طور یقین مسیح را نکشتند (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۹۶)، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، قم: آوای قرآن.

ابراهیم، مصطفی او زملایه (۱۹۸۹م)، المعجم الوسیط، استنبول: مؤسسه دارالندوة.

امامی، غلامرضا (۱۳۹۸)، سفر خروج، ترجمه کتاب الحسین ثائراً و الحسین شهیداً، تهران: امیرکبیر.

آلن، گراهام (۱۳۸۰)، بینامتنیت، مترجم: پیام یزدانجو، چ ۷، تهران: مرکز.

بحیری، سعید حسین (۱۹۹۷م)، علم لغة النص المفاهیم و

الاتجاهات، القاهرة: الشركة المصرية العالمية

بلاذری، أنساب الأشراف (۱۴۱۷)، ج ۲، بیروت: دارالفکر.

توکلی ثانی، مریم (۱۳۹۳)، خون خدا، ترجمه کتاب الحسین ثائراً، تهران: دفتر نشر معارف.

جابر، ناصر (۲۰۰۷)، التناسل القرآنی فی الشعر العماني، مجلة جامعة النجاح للابحاث (العلوم الانسانية)، ش ۴.

حاجی زاده، مهین؛ ابهن، محدثه (۱۳۹۱)، «نقش قرآن و میراث دینی در اشعار استعمار ستیز یحیی سماوی»، نشریه مطالعات ادبی متون اسلامی، ش ۳، صص ۱۲۵-۱۳۸.

حسین حبیب، محمد (۱۴۲۸)، «استثمار واقعة الطف فی مسرحية العربية»، مجلة المنهاج، ش ۴۶، صص ۱۱۵-۱۴۱.

زکی، نبیل (۱۹۶۹)، «عبد الرحمن الشرقاوی و ملحمة الحسين»، مجلة ادب و هنر، ش ۱۰۱، صص ۱۲۸-۱۴۲.

الزهیری، رزیح عطشان (۱۳۹۸)، «الاشارات الشخصية فی مسرحیتی الحسین ثائراً و الحسین شهیداً»، مجلة القادسیة، ش ۲، صص ۳۵۹-۳۷۵.

سوزنی، جمیل (۱۳۸۹)، «تحلیل العناصر المسرحية فی مسرحیتی الحسین ثائراً و شهیداً»، پایان نامه.

السید عید، محمد (۱۴۰۷)، «رؤیة نقدیة درامیة لمسرح عبد الرحمن الشرقاوی»، مجلة ابداع، ش ۴، صص ۱۴-۳۰.

الشرقاوی، عبد الرحمن (بی تا)، الحسین ثائراً، قاهره: مؤسسه روز الیوسف.

الشرقاوی، عبد الرحمن (بی تا)، الحسین شهیداً، قاهره: مؤسسه روز الیوسف.

شمس، قیس رازی (۱۳۳۸ش)، المعج فی معاییر أشعار العجم، تصحیح محمد بن عبد الوهاب قزوینی، تهران: مدرس

رضوی. ظفری زاده، سیامک؛ خاقانی اصفهانی، محمد (۱۳۹۴)، «روابط بینامتنی نهج البلاغه با اشعار کلاسیک فارسی»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ش ۱۱، صص ۳۵-۴۵.

عبدالمسیح ثروت، یوسف (۱۴۱۳)، «المأساة و الأصداء ثورة

مشایخ، پروین؛ سید صادقی؛ سید محمود؛ حمیدی، سیدجعفر (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی انواع بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی»، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، ش ۳۱، صص ۲۱۷-۲۴۲.

میرزایی، فرامرز؛ واحدی، ماشالله (۱۳۸۸)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، مجله نثرپژوهی ادب فارسی، ش ۲۲، صص ۲۹۹-۳۲۲.

میرزایی، فرامرز، رضا تواضی و سیدرضا موسوی (۱۳۹۴)، «ژرف ساخت ناسازواری در شعر امل دنقل و بینامتنی قرآنی»، مجله ادب عربی، ش ۱، صص ۳۰۱-۳۲۴.

نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۵)، *بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*، چ ۱. تهران: سخن.

نقیسی، شادی؛ افسردیر، حسین (۱۳۹۷)، «کارکرد بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن براساس نظریه ژرار ژنت»، نشریه پژوهشنامه نهج البلاغه، ش ۲۳، صص ۹۳-۱۱۱.

References

The Holy Quran

- Nahj al-Balaghheh** (2016), translated by Abulfazl Bahrapour, Qom: Voice of the Qur'an
- Abdul-Masih Tharwat, Yusuf (1413), "**Tragedies and Voices of Al-Hussein (PBUH) and Presentation of the Works of Abd al-Rahman Al-Sharqawi Al-Thushamiya al-Husseiniyyah**", Al-Mosom Magazine, Vol. 13, pp. 94-105.
- Allen, Graham (2008), **Intertextuality**, translator: Payam Yazdanjo, Ch 7, Tehran: Nashmarkaz
- Al-Sayyid Eid, Muhammad (1407), "**A critical dramatic vision of Abdul Rahman al-Sharqawi's play**", Ibda'a magazine, Vol. 4, pp. 30-14.
- Al-Sharqawi, Abd al-Rahman (B.T.A.), **Al-Hossein Shahidah**, Cairo: Roz Al-Yusuf Institute.
- Al-Sharqawi, Abd al-Rahman (Bita), **Al-Hossein Thaera**, Cairo: Roz Al-Yusuf Institute
- Al-Zuhairi, Razij Atshan (2018), "**Personal References in the Plays of Al-Hossein Thaera and Al-Hossein Shahida**", Al-Qadsiya Magazine, Vol.

الحسین (ع) دراسة و عرض لأعمال عبد الرحمن الشرقاوی المسرحية الحسينية، مجله الموسم، ش ۱۳، صص ۹۴-۱۰۵.

فسنقری، حجت الله؛ سالمی مغانلو، بهروز (۱۳۹۷)، «جلوه های پیداری در نمایشنامه الحسین ثائرا و شهید اثر عبدالرحمن الشرقاوی»، مجله ادب عربی، ش ۱، صص ۱۸-۲۹.

کامیاب، مرجان؛ محمدی، سمیه (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی انواع بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در نفثه المصدور زیدری نسوی»، نشریه زیبایی شناسی ادبی، ش ۳۱، صص ۲۱۷-۲۳۲.

محمودی، خیرالله؛ هوشمند سروسناتی، حمیدرضا (۱۴۰۰)، «بررسی بینامتنیت قرآنی غزلیات فیض کاشانی»، پژوهش های ادبی - قرآنی، ش ۱، صص ۱۷۹-۲۰۵.

مختاری، قاسم؛ عربی، سجاد (بی تا)، «بینامتنی قرآنی در شعر بدر شاکر سیاب»، مجله ادب عربی، ش ۴، صص ۱۶۹-۱۹۶. 2, pp. 359-375.

Balazhari (1417), **Ansab al-Ashraf**, vol. 2, Beirut: Dar al-Fikr - Tawakli Thani, Maryam (2013), **God's Blood**, translation of Al-Hossein Thaera's book, Tehran: Ma'arif Publishing House.

Behairi, Saeed Hossein (1997), **The Language Science of the Text, Concepts and Directions**, Cairo: Al-Masriy Al-Almiya Company.

Emami, Gholamreza (1398), **Sefer-e-Khishr**, translation of the book Al-Hossein Tha'er and Al-Hossein as a Shahid, Tehran: Amir Kabir.

Fasangri, Hojjatullah; Salemi Moghanlou, Behrouz (2017), "**Effects of Pidaari in the Plays of Al-Hossein Thaera and the Martyr of Abdul Rahman Al-Sharqawi Study**", Arabic Literature Magazine Vol.1, pp.18-29.

Genette, Gerard (1997). **Palimpsestes: literature au second degre**.

Hajizadeh, Mahin; Abhan, Muhaddeh (2012) "**The role of the Quran and religious heritage in Yahya Samavi's anti-colonial poems**", Journal of Literary

Studies of Islamic Texts, Vol. 3, pp. 125-138.
Hossein Habib, Muhammad (1428), **"Exploiting the event of grace in the Arabian drama"**, **Al-Manhaj magazine**, vol. 46, pp. 115-141.
Ibrahim, Mustafa O Zamlouh (1989), **Al-Mu'jam al-Wasit**, Istanbul: Dar al-Nadawa Institute
Jaber, Nasser (2007), **Al-Tannas al-Qur'an in Al-Sha'ar al-'Umani**, Journal of Al-Najah Research Society (Al-Uloom al-Insaniyah), Vol. 4.
kamyab, Marjan; Mohammadi, Samiyeh (2016), **"Comparative study of the types of intertextuality of Genet with the theory of Islamic rhetoric in Nafetha al-Masdoor Zaydari Nesavi"**, Journal of Literary Aesthetics, Vol. 31, pp. 217-232.
Mahmoudi, Khairullah; Houshmand Sarostani, Hamidreza (1400), **"Review of the Quranic Intertextuality of Faiz Kashani's Ghazals"**, Literary-Quranic Researches, Volume 1, pp. 179-205.
Mashaikh, Parvin; Seyed Sadeghi; Syed Mahmoud; Hamidi, Seyyedjaafar (2016), **"Comparative study of genet intertextuality types with the theory of Islamic pronunciation"**, Scientific Journal of Linguistic and Rhetorical Studies, Vol. 31, pp. 217-242 .
Mirzaei, Faramarzar; Vahedi, Masha Allah (2008), **"Intertextual relations of the Qur'an with Ahmad Matar's poems"**, Prose Journal of Persian Literature, Vol. 22, pp. 299-322.
Mirzaei, Faramarzar, Reza Tovetari and Seyed Reza Mousavi (2014), **"Deep construction of**

incongruity in the poem of Amal Dangul and Quranic intertextuality", Journal of Arabic Literature, Vol. 1, pp. 301-324.

Mokhtari, Qasim; Arabi, Sajjad (n d), **"Qur'anic intertextuality in the poetry of Badr Shakir Siyab"**, Journal of Arabic Literature, Vol. 4, pp. 169-196.

Nafisi, happiness; Afsardeer, Hossein (2017), **"The Intertextuality of Nahj al-Balagheh with the Qur'an based on Gerard Genet's Theory"**, Nahj al-Balagheh Research Journal, Vol. 23, pp. 93-111

Namvarmotlaq, Bahman (2015), **Intertextuality from Structuralism to Postmodernism**, Ch 1. Tehran: Sokhon.

Shams, Qays Razi (1338), **Al-Maaj in the standards of Al-Ajm poems**, corrected by Mohammad bin Abd al-Wahhab Qazvini, Tehran: Madras Razavi.

Suzni, Jamil (2009), **"Analysis of the theatrical elements in the plays of Al-Hossein Thaera and Shahida"**, thesis.

Zafarizadeh, Siamak; Khaghani-Esfahani, Mohammad (2014), **"Intertextual relations between Nahj al-Balagheh and classical Persian poems"**, Nahj al-Balagheh Research Quarterly, Vol. 11, pp. 35-45.

Zaki, Nabil (1969), **"Abdul Rahman Al-Sharqawi and the Epic of Al-Husayn"**, Magazine of Literature and Art, vol. 101, pp. 128-142", Arabic Literature Magazine, Vol. 1, pp. 18-29.